

# صبح ایران

فرهنگی-هنرورسانده ویژه



محبوبه سادات رضوی نیا، نویسنده کتاب «عایده» معتقد است این کتاب، آیین‌ه تمام‌نمای جامعه لبنان و حزب‌ا... است

◀ صفحه ۸

## کم‌کاری سینما برای قهرمان ملی

■ بازنمایی قهرمانان ملی مثل سردار سلیمانی در سینما آنچنان که باید نمود و بروز خارجی نداشته است

◀ ۱۰



مرد میدان

## سیمای مرد میدان

■ بازآفرینی شخصیت سردار حاج‌قاسم سلیمانی از منظر رسانه‌ملی را مورد کاوش قرار دادیم

◀ ۲۱



نویسنده کتاب: بهرام راه

## راویان پیشرفت به سرچشمه رسید

■ گزارشی از ششمین اردوی راویان پیشرفت با همت روابط عمومی سازمان صداوسیما در کرمان

◀ ۶



### نگاه

### نام‌تورابر صخره‌ای بی‌مرگ‌کنند!



محمدرضا محمدجعفر پژوهشگر تاریخ زبان و فرهنگ ایران

دارد و ایران مادر تاریخ درازمن خود با این فرهنگ بارها مورد هجوم قرار گرفته و دست‌کم سه بار هجوم سنگین را از سر گذرانده است که هر بار با تکیه بر «فرهنگ ملی» عصای دست خود شده، کمر همت راست کرده و خود را بازتولید نموده است. یک بار در پایان دولت هخامنشی که یونانیان بنیاد چندصدساله آن سلسله را برانداختند؛ شهرها را ویران نموده، از اندیشه و دانش ایرانیان بهره بردند و کتاب‌ها را غارت کردند؛ کنیخانه پارسی هرچه بود/ اشارت چنان شد که آردن رود/ سخن‌های سر بسته از هر دری/ ز هر حکمتی ساخته دفتیری/ به یونان فرستاد با ترجمان/ نیش از زبانی به دیگر زبان (نظامی‌نجیه‌ای، اسکندرنامه). تخت جمشید را، به روایتی به تلافی اقدام خشایارشادر تخریب «اگروپلیس» آتن در ۱۰۰ سال پیش، یا به تحریک زنی روسیی در ضیافتی شبانه به آتش کشیدند (تاریخ ایران آکسفورد، ترجمه زین‌نظر تورج دریایی، «ایران در زمان اسکندر و سلوکی‌ها»، ص ۱۹۹). دیگر؛ تازیان بودند که دین اسلام را به ایران آوردند و برخی از ایشان در برخورد با ایرانیان راه و رسم نامسلمانی پیش گرفتند، آموزه‌های پیامبر مهربانی را فراموش کردند، به کشورگشایی روی آوردند و افزون بر سرزمین، بر فرهنگ و زبان ایرانیان نیز تاختند؛ نقل شده که فاتحان، کتاب‌های بسیار یافتند «سعد ابی‌وقاص» نامه‌ای به مرکز خلافت فرستاد تا درباره غنیمت بردن آنها کسب اجازه کند؛ پاسخ گرفت؛ «آنها را در آب اندازید، چه اگر آنها را همنمایی و راستی باشد، خداوند ما را به رهبری بهتر از آنها هدایت کرده و اگر از کتب ضلال و گمراهی است، کتاب خدا ما را از آنها بی‌نیاز کرده است» (مقدمه ابن خلدون، ایران و ایرانیان در متون مقدس، ص ۳۵)، سوم بار؛ ایلغار مغولان در آغاز سده هفتم بود؛ قومی خونریز و دور از تمدن که به هرا رفتند، گشتند و غارت کردند؛ که شرح یک از صد آن در اینجا نگنجد. در هر سه این هجوم‌ها اگرچه آثار فرهنگی ایران مانند همه چیز

ناپود شد، گرچه مهاجمان نمی‌دانستند که فرهنگ نه سوزاندنی است و نه بردنی؛ از این رو بود که «مؤلفه‌های فرهنگی هویت ملی ایران» توانست ایران را از زیر آوار ویرانی بیرون کشد. نقش زبان فارسی و فرهنگ ایرانی در هر سه دوره، پررنگ و اثرگذار گزارش شده است. یونانیان کشور را گرفتند ولی حریف فرهنگ و زبان ایرانی نشدند، عمر اسکندر زود به سر آمد و جانشینانش اختلاف کردند و ایرانیانی از شمال شرق به حاکمیت یونانی‌ها خاتمه دادند؛ سکه دولت مهاجمان بر دو روی ضرب شده بود؛ یک روی آن به زبان پارسی و روی دیگر یونانی، و روزگار روی دیگر سکه‌اش را به ایرانیان نمایاند؛ حاکمیت، خط و زبان مهاجمان برچیده شد و فرهنگ و زبان ایرانی توانست زمینه‌ساز پادشاهی اشکانی شود.

در حمله تازیان؛ برخی خلفا و جانشینان آنها که حکم دیارشان جای احکام نبی(ص) و قرآن را گرفته و چرب و شیرین خلافت به مذاق‌شان خوش آمده بود، دوست داشتند خلافت خود را شبیه هخامنشیان کنند آن‌گونه که «توین‌بی» مورخ و تمدن‌شناس مشهور غربی خلافت عباسی را احیای هخامنشی دانسته و می‌گوید: «نقش تاریخی بنی‌عباس این بود که امپراتوری هخامنشیان را از نو آغاز کنند» (ابدیت ایران، ص ۳۲۲. نقل از ایراند و ایرانیان در متون مقدس، ص ۳۹)؛ آنها در برهه‌ای با انتخاب وزیرانی ایرانی از ایرانیان خواستند تا خلافت را که بخش عمده آن در ایران بود، یاری دهند و نیز درصدد برآمدند تا دل ایرانیان را به خود نرم کنند و چون علاقه ایرانیان به اهل بیت نبی(ص) را می‌دانستند علی‌بن موسی الرضا(ع) را به ولیعهدی به مرو آوردند تا هم امتیازی داده باشند، هم خود را دوستدار خاندان وحی نشان دهند و هم ایرانیان را در جنگ با رقبای حجازی و عراقی بسیج نمایند؛ بدین سبب کار برای ایرانیان در برخورد با مهاجمان، آسان بود؛ زیرا خدای یگانه‌ای که آنها می‌گفتند را از دیرباز می‌شناختند، می‌پرستیدند و نخبگانی از ایران، پیش از این به دین اسلام گرویده بودند و... همین‌ها باعث شد تا اندکی بعد خود از ستون‌های تمدن جدیدی در جهان به نام «تمدن اسلامی» شوند. مغولان نیز با آن همه قساوت، دیری نگذشت که مغلوب فرهنگ و تمدن ایران شدند و در اندک زمانی با کمک کسانی چون خواجه‌نصیرالدین مروجان ایران، دین، مذهب و زبان فارسی شدند، به‌گونه‌ای که در دوره تیموریان و گورکانیان در سراسر قلمرو خود برای اعتلای آن کوشیدند، آن‌گونه که آثار بی‌شمار دینی، فرهنگی و نسخ خطی ماندگار، از زمان ایشان برپایه فرهنگ، دین، زبان و تمدن ایرانی برجای مانده است.

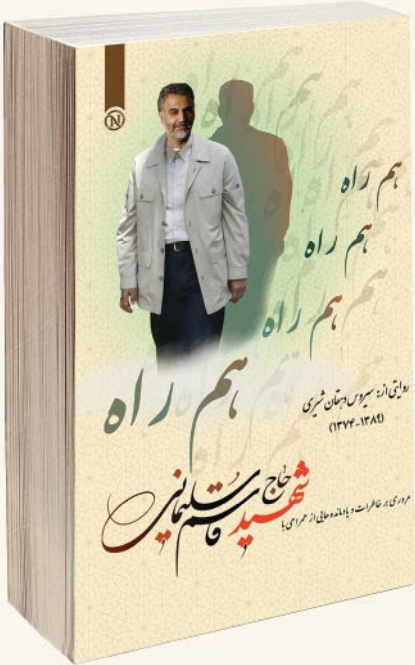
## درختی که همچنان ثمر می‌دهد



سربوس دهقان‌شیری نویسنده کتاب: بهرام راه

ایشان، شاهد اثرات چنین نگاه و اعتقادی به برنامه و برنامه‌ریزی و کار با برنامه هستیم. دلیل گفته من این است که برای هر اتفاقی که در منطقه رخ داده، سناریوهایی که حاج‌قاسم دیده و پیش‌بینی کرده، تاثیرگذار بود و به همین دلیل شاهد هستیم علی‌رغم تمام هجمه‌های نظامی، روانی، سیاسی و میدانی که صورت گرفته است، در حال حاضر مقاومت در اوج اقتدار خود قرار دارد. البته ممکن است این امر برای عموم خیلی ملموس نباشد یا پمپاژ خبرهای منفی نگذارد که حقیقت پیروزی و دست بالای مقاومت به درستی به چشم بیاید. در حال حاضر تمامی سربازان اطلاعاتی اسرائیل که زبان فارسی را هم به خوبی بلد هستند، در فضای مجازی به شدت فعال اند تا با وارونه جلوه دادن حقیقت، بذریأس، ناامیدی و ترس را در دل مردم بکارند. افرادی آموزش دیده و مسلط به جنگ روانی که خودشان را به جای مردم ایران جازده و با گذاشتن کامنت‌های آنجانی، می‌خواهند در جنگ روایت‌ها خودشان را پیروز میدان نشان دهند. اینها با استفاده از تمامی امکاناتی که در اختیار دارند در حال پمپاژ خبرهای منفی و دروغ هستند، در حالی که در بدترین وضعیت اجتماعی، نظامی و روانی به سر می‌برند و می‌خواهند با فرار به جلو خودشان را پیروز میدان نشان دهند.

اگر بخواهیم فهم درستی از وضعیت منطقه و حوزه مقاومت داشته باشیم، باید شاخصه‌ای که حاج‌قاسم همواره به آن تاکید داشت و خودش بسیار به آن توجه می‌کرد را مدنظر داشته باشیم و آن هم سخنان، موضع‌گیری‌های و جهت‌گیری‌های



رهبر معظم انقلاب است. حاج‌قاسم خیلی مقید بود که سخنان ایشان را خوب بفهمد و دقیقاً در مسیری که رهبری ترسیم می‌کردند، حرکت کند. موضوعی که اگر امروز خوب به آن دقت کنیم، خواهیم توانست تحلیل درستی از اوضاع روز در جهان داشته باشیم و جایگاه شایسته مقاومت را در معادلات جهان پر تنش امروز به درستی بشناسیم. در حقیقت این شاخص آن قدر برای حاج‌قاسم اهمیت داشت که در تمامی برنامه‌ریزی‌های میدانی و منطقه‌ای که صورت می‌گرفت، اصلی‌ترین ملاک ایشان همین سخنان، موضع‌گیری‌ها و جهت‌گیری‌های رهبر معظم انقلاب بود. اگر بخواهیم ببینیم اثرات برنامه‌ریزی‌های حاج‌قاسم کجا خودش را نشان می‌دهد، به نظر می‌آید توجه کنیم که مردم یمن چگونه هشت سال با دست خالی با عربستان سعودی، امارات متحده عربی و در مقابل تمامی تجهیزات اسرائیلی و آمریکایی مقاومت کرده، جانانه جنگیده‌اند. همه‌ی اینها اثرات ایمان، اخلاص و برنامه‌ریزی صحیح است که به طور کامل و تمام در وجود و شخصیت و مراتب اعتقادی حاج‌قاسم وجود داشت. چنین نگاه و عملکردی کار را به آنجا رسانده که در حال حاضر یمن در محور مقاومت دست بالا را دارد و رعشه بر تن لیزان اسرائیل متجاوز می‌اندازد. اگر خوب دقت کنیم در حال حاضر وضعیت غزه و لبنانی که این همه فشار روی آنها است و تجهیزات آمریکایی و پول کشورهایی که به این گروه کمک می‌کنند به اسرائیل سراریز شده تا محور مقاومت را در این حوزه از بین ببرند، جواب نداده و همه شواهد میدانی نشان از پیروزی مقاومت دارد. ضمناً اگر دشمن نتوانسته است این مقاومت منطقه‌ای و گسترده را در هم بکشد، اثرات همان برنامه‌ریزی‌های درازمدت، دقیق و مبتنی بر شناختی درستی است که حاج‌قاسم در طول ۲۰ سال گذشته انجام داد و ما امروزه ثمرات آن را در منطقه شاهد هستیم. دلیل این موفقیت هم این است که نیروها و به خصوص سران ارشد و تاثیرگذار یک تشکیلات مردمی و مقاوم، این گونه مورد هجوم و تخریب قرار گرفته‌اند اما همت و شجاعت نیروها و تشکیلات باقیمانده آن چنین در مقابل مقاومت دشمن مقاومت می‌کنند تا اجازه ندهند اسرائیل که جهان استکبار پشت‌سر اوست، قد افراشته آنان را خنم کند.

### تبدیل تهدید به فرصت

اینها همه حاصل همان برنامه‌ریزی، آموزش و تشکیلات منسجمی است که شهید سلیمانی پایه‌های مستحکم و اساسی آن را در منطقه و در خط مقاومت بنیان گذاشت و ما امروزه شاهد نتایج اثرات مثبت آن هستیم. حاج‌قاسم از همان ابتدای کار همیشه چالش‌های کار را نیز در برنامه ریزی می‌دید تا اگر یک مسیر با مشکل روبه‌رو شد، راه بسته نشود و حتما سناریوهایی پیش‌بینی می‌شد که بتوان هر تهدیدی را به فرصت تبدیل کرد.



متن کامل